اسلام در انگلستان

ترجمه: حسین فیض اللهی آلمالو

تاریخ مسلمانان بریتانیا به بیش از یک قرن گذشته، زمانی که گروههایی از مسلمانان کارگر برای کار در بنادر و کاخانجات در پی دوران استعماری، وارد این کشور شدند و عده ای از آنها به طور طبیعی، برای برپایی نمازخانه هایی که در آنها به ادای فریضه نماز بپردازند، به دور یکدیگر جمع شدند، باز می گردد. در سالهای اخیر، دادگاه یک مسلمان سومالیایی را که در قرن گذشته، به جرم قتل اعدام شده بود، تبرئه کرد و مشخص شد که وی مرتکب آن نشده و قربانی ظلم و ستم شده است. اولین جالیه عربی در بریتانیا، جالیه یمنی بوده که تعدادی از آنها به عنوان کارگر، در حدود یک قرن پیش وارد بریتانیا شده و به مرور زمان افزایش یافته اند و در مناطق شمال غرب بریتانیا متمرکزند.

در نیمه اول قرن بیستم، مسلمانان از شبه قاره هند به بریتانیا مهاجرت کردند. دامنه این مهاجرت در دهه های پنجاه و هفتاد گسترش یافت. ضمنا این دوران، شاهد مهاجرتهایی از جزایر هند غربی و دریای کارائیب (آمریکای مرکزی) بود که رنگین پوستان و سیاه پوستان، بعدها به صورت کامل، شهروندان بریتانیا شدند. در میان آنها، تعدادی از مسلمانانی بودند که از کشورهایی مانند جامائیکا آمده بودند و فرزندانشان نمایندگان دارای ریشه های آفریقایی بوده، درصد مهمی از جامعه بریتانیایی غیر سفیدها را تشکیل می دادند.

اما مسلمانان بریتانیا به عنوان کارگرانی که در مرکز امپراتوری در جست و جوی فرصتها بودند، به عناصری فعال مبدل شدند و دورانی که خورشید در سرزمینهایش غروب نمی کرد، پایان یافت. امروزه، مسلمانان در تمامی طبقات اجتماعی پراکنده شده اند و تنوع ریشه های نژادی و ملی آنان افزایش یافته است و در مقایسه با سایر کشورهای اروپایی، در عرصه سیاسی فعالترند.

پس از اینکه مساجد، مراکزی برای اجتماعات کوچک بود و تعدادی از کارگران مسلمان برای گذران اوقات فراغت یا پس از وقت کاری، بدان پناه می بردند، سازمانهای اسلامی، حدود یک هزار مؤسسه در سرتاسر بریتانیا تاسیس کردند. این سازمانها (مساجد، مدارس، مؤسسات و هیاتهای خیریه) در میان جالیه های مسلمان که تعدادشان به حدود 2 میلیون نفر می رسد، نقش مهمی ایفا می کنند. برخی تعداد مسلمانان را 3 میلیون تخمین می زنند; هرچند تعدادشان در مقایسه با جمعیت 60 میلیونی، کوچک به نظر می رسد، اما بر سرعت گسترش اسلام دلالت می کند.

اسلام در زندگی عمومی انگلستان

دولت بریتانیا اسلام را به عنوان یک دین به رسمیت نمی شناسد و تنها دین به رسمیت شناخته شده، مسیحیت پروتستانی انجیلی است. اما دموکراسی بریتانیایی برای پیروان سایر ادیان، آزادی فعایتهای عبادی و شعائر را ضمانت کرده است و اسلام برخوردار از احترام رسمی است، به طوری که ولی عهد امیر چارلز در بیشتر مناسبتها، پیرامون مفاهیم اسلامی و تعالیم آن و نیز در مورد سایر ادیان، سخنرانی کرده است. همچنین امیر چارلز ریاست افتخاری مؤسسه اسلامی آکسفورد را پذیرفته است. طی سالیان اخیر، احزاب سیاسی بریتانیا، بویژه حزب حاکم کارگر، طی برگزاری انتخابات، مسلمانان را به عنوان جالیه خطاب می کردند و به آنها وعده هایی دادند، هرچند مسلمانان بریتانیایی در مقایسه با یهودیان و برخی گروههای هندی غیر مسلمان مانند سیکها که دارای پشتیبانی خوبی هستند، دارای تاثیر ضعیفی می باشند.

مساجد اسلامی در بیشتر شهرهای بریتانیا پراکنده شده اند. برخی کانالهای تلویزیونی، برنامه هایی پیرامون دین اسلام پخش می کنند، در حالی که رسانه های گروهی هنوز در بیشتر اوقات، با نقل اختیاری و جانبدارانه رخدادهای برخی کشورهای اسلامی، به چهره عمومی مسلمانان لطمه می زنند وبدین طریق، در شعله ور ساختن برخی افکار نژادپرستان و احساس رعب و وحشت در برابر اسلام، مشارکت می جویند، به طوری که اخیرا "لفظ اسلام ترسی" یا "اسلاموفوبیا" بر آن اطلاق می شود.

طی سه دهه اخیر، مسلمانان تلاش کرده اند تا فعالیتشان را سازماندهی نمایند، اما اختلافات مذهبی و طائفه ای و حتی سیاسی و نژادی در برخی موارد مانع آن شد و هیاتهایی مانند پارلمان اسلامی که شکل گرفته بودند، عرصه را بر سایر تشکلهای متعدد اسلامی که در میدان فعالیت بودند، تنگ کردند.

شاید اولین تلاش جدی برای جمع آوری آرای مسلمانان، در سال 1997 بود; به طوری که تلاش چهره های سرشناس جالیه مسلمان از تمامی گرایشات و وابستگیها به ثمر نشست و در 23 نوامبر 97، تشکیل پارلمان اسلامی بریتانیا اعلام شد که اکنون، حدود 250 سازمان اسلامی در آن عضویت دارند. شورا اولین جلسه مجمع عمومی را در اول مارس 1998 تشکیل داد و اعضای شورا، از سوی سازمانهای تحت پوشش، انتخاب شدند و موفق به کسب شناسایی غیر رسمی از سوی حکومت و بیشتر هیاتهای رسمی و حزبی در کشور گردیدند. حکومت با سازمانهای اسلامی و مؤسسات خارجی، در چارچوب پارلمان اسلامی بریتانیا، تماسهایی داشته است.

طی دو سال اخیر، مسلمانان در صحنه سیاسی بریتانیا، به موفقیتهایی زیادی دست یافته اند. فعالیت آنها پیشتر به شوراهای شهرداری و محلی محدود می شد، اما اکنون به پارلمان راه یافته اند و عده ای از آنها، به عضویت مجلس عوام و اعیان (لردها) درآمده اند. آمار دقیقی پیرامون تعداد مسلمانان عضو شورای شهرداریها در دسترس نیست، اما منابع جالیه، تعدادشان را در سراسر بریتانیا حدود 50 نفر برآورد می کنند که نسبت اندکی را تشکیل می دهد. اولین نماینده مسلمان در انتخابات سراسری مجلس عوام در ماه مه 1997، پیروز گردید و میلیونر بریتانیایی آسیایی الاصل، "محمد سروار"، از طرف حزب کارگر در منطقه گلاسکو جونان اسکاتلند وارد مجلس شد. اما این تجربه، به سرعت با دشواریهای تلخی روبرو شد، به طوری که با انتشار شایعاتی در مورد دست داشتن سروار در افتضاح رشوه، احساس ناکامی و شکست فراگیر شد و نامبرده، از سوی رقبای شکست خورده در انتخابات، متهم گردید و عضویت وی در حزب، تا رسیدگی به مساله از سوی دادگاه، به حالت تعلیق درآمد.

سروار که ثروتش به دهها میلیون پوند می رسید، بیست سال پیش به بریتانیا مهاجرت کرده است. وی اولین مسلمانی بود که به نامزدی حزب سیاسی بریتانیا برای احراز کرسی در مجلس عوام دست می یافت. حزب کارگر به کرسی حوزه انتخابیه اش برای سالیان متمادی حاکمیت داشت و انتخابات اخیر نیز شاهد نامزدی عده ای از اعراب و مسلمانان بود که هیچ یک از آنان نتایج رضایت بخشی را کسب نکردند و هماهنگی منظمی میان اعضای جالیه وجود نداشت.

طی سال گذشته، اولین لردهای مسلمان به مجلس اعیان راه یافتند. روزنامه مسلمان بریتانیا در ابتدا به اینکه نامزدی از مسلمانان در لیستی که از سوی ملکه به مناسبت روز تولدش به عنوان افرادی که به جامعه خدمت کرده اند و به عضویت دائمی مجلس اعیان در می آمدند، نیامده است، اعتراض کرد. در حال حاضر، تعداد لردهای مسلمان به 4 نفر می رسد. 3 نفر از آنان، با توجه به عضویت دائمی در حزب کارگر وارد مجلس اعیان شده اند، اما القاب آنان، به صورت ارثی به فرزندانشان منتقل نخواهد شد. اما لرد چهارم یک بریتانیایی است که کرسی را از پدر لردش به ارث برده است و به اسلام گرویده است.

به مناسبت آغاز سال نو میلادی، ملکه الیزابت دوم، تعدادی از القاب را در چارچوب لیستی که شامل صدها نفر بود، به مسلمانان داد. ملکه در لیست تجلیلهای اخیر، به یک مسلمان مقام قهرمانی عطا کرد تا اینکه لقب "سر" را که مخصوص اشراف بریتانیا بود، به خود اختصاص دهد، اما پنج مسلمان دیگر به نشان ام.بی.ای (عضو امپراتوری بریتانیا) نائل شدند که در میان آنها، نام یک زن بریتانیایی یمنی الاصل، نسیم حمید، به چشم می خورد. دو مسلمان دیگر به لقب او.بی.ای دست یافتند.

احمد یرسی، سردبیر مسلم نیوز که در لندن به زبان انگلیسی منتشر می شود، می گوید: "علی رغم دستاوردهایی که مسلمانان بدست آورده اند، آنها به فکر تحقق هرچه بیشتر اهداف هستند تا در خور و شایسه جالیه باشد." یرسی اضافه می کند: "تاکنون مسلمانی، به حکم ارائه خدمات به جامعه، به عضویت مجلس اعیان دست نیافته است، در حالی که در میان مسلمانان، چهره هایی هستند که استحقاق این تجلیلها را دارند، اما این امر، از اهمیت دستیابی مسلمانان به مجلس اعیان نمی کاهد، هرچند برپایه و اساس حزبی باشد."

مسؤولان بریتانیایی به طور منظم، با دو نماینده جالیه مسلمان دیدار می کنند. دریک فاچت، وزیر مشاور در امور خارجی، تقریبا هر یک ماه و نیم، با تعدادی از مسؤولان جالیه مسلمان ملاقات می کند. جک استراو، وزیر کشور بریتانیا، موفق شده بود با مسؤولین مسلمان دیدار کند. آخرین دیدار به منظور بررسی قانون جنایت و پیش از تقدیم آن از سوی دولت به مجلس بود. احمد یرسی می گوید: "دست اندکاران تبلیغات اسلامی در بریتانیا که نماینده سردبیران مجلات و روزنامه هایی بودند که جالیه مسلمان را مخاطب قرار می دهند، برای اولین مرتبه، در پی شعله ور شدن بحران اخیر میان عراق و آمریکا و انگلیس، با جک استراو ملاقات کردند. "روزنامه نگاران مسلمان طی این دیدار، نگرانی شان را در مورد مداخله انگلیس در عملیات نظامی علیه عراق که بیشتر جان قربانیان غیر نظامی را به خطر می انداخت، ابراز داشتند.

مسلمانان معتقدند که بیش از آنچه بدان دست یافته اند، استحقاق دارند. اما آنان به شناسایی دولت ( از سوی دو حزب) نرسیده اند. این امر پس از دستیابی حزب کارگر به قدرت نیز ادامه دراد. در حالی که دهها مدرسه اسلامی در مورد ظرفیت فرزندان مسلمان در تنگنا هستند، در انتظار این شناسایی بسر می برند تا مستحق کمکهای دولتی گردند و از فشار مالی بر دانش آموزان بکاهند. شایان ذکر است، تعداد زیادی از مدارس یهودی و مسیحی در نتیجه شناسایی و برخی از آنها بر اساس کمکهای دولت، تاسیس شده اند. بر عکس، مدارس اسلامی از حمایت مطلوب محروم هستند. هرچند در بیشتر مواقع با مسلمانان با احترام رفتار می شود و به آنها این اجازه داده شده است تا در برابر محاکم بریتانیا به قرآن سوگند یاد کنند، اما عدم شناسایی رسمی، پایبندی به قوانین مربوط به رفتار با شهروندان سایر ادیان را به آنها دیکته می کند.

منبع:

مجله المجتمع، شماره 1334، 12/1/1999